



A Linguistic and Literary Analysis of the Term "Āzar" in the Qur'ān

Seyyed Mahmoud Tayyeb Hosseini¹  | Sepideh Moqimi² 

1. Professor, Department of Qur'anic Studies, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. Email: tayyebhosseini@riho.ac.ir
2. Corresponding Author, Level 4 Seminary Student, Specialized in Comparative Exegesis, Masoomiyeh Seminary Higher Education Institute, Qom; Lecturer at the Qom Seminary, Qom, Iran. Email: a.moghimi1331@gmail.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 4 November 2024

Received in revised form 21 February 2025

Accepted 25 February 2025

Available online 9 March 2025

Keywords:

Āzar, Sūrah al-An'ām 6:74, Ab (Arabic: أب), Abraham (Ibrāhīm).



ABSTRACT

Among the Qur'ānic terms associated with the Prophet Abraham (Ibrāhīm), the word "Āzar" holds particular significance. This term appears only once in the Qur'ān, in Sūrat al-An'ām (6:74): "And when Abraham said to his father Āzar, 'Do you take idols for deities?'" Lexicographers and exegetes have proposed diverse perspectives regarding the nature and meaning of Āzar. From a comprehensive standpoint, these perspectives can be examined from two fundamental aspects: its ontological status and its semantic implications. This study employs a descriptive-analytical method with a linguistic approach, drawing upon library-based research to elucidate the concept and function of this term in the Qur'ānic discourse. The research findings reveal multiple interpretations of Āzar: as a name for an idol; as a descriptive term denoting diligence and industriousness; as a word expressing reproof and prohibition of falsehood; as the name of Abraham's servant; and as the father of Abraham during his period of polytheism, referred to as Ab. However, within Islamic tradition and post-Qur'ānic scholarship, Āzar has predominantly been perceived as the name of a polytheist and idolater, whom the Qur'ān designates as Ab (father) of Abraham. According to the predominant Shi'a view, Āzar was either Abraham's paternal uncle or his maternal grandfather. Conversely, the majority of Sunni scholars regard him as Abraham's biological father. Nevertheless, several critical factors—such as the absence of Āzar's name or title as Abraham's father in the Biblical and historical sources, as well as the Qur'ānic distinction between "wālid" (Arabic: والد, lit: biological father) and "Ab" (Arabic: أب, lit: paternal figure)—support the conclusion that Āzar was not the actual biological father of Abraham.

Cite this article: Tayyeb Hosseini, S., M.; Moqimi, S. (2024). A Linguistic and Literary Analysis of the Term "Āzar" in the Qur'ān. *Quranic Doctrines*, 21(40), 139-158.

<https://doi.org/10.30513/qd.2025.6488.2449>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

تحلیل زبانی ادبی واژه آزر در قرآن کریم

سید محمود طیب حسینی^۱ | سپیده مقیمی^۲ 

۱. استاد، گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: tayyebhoseini@riho.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، طلبة سطح ۴، گرایش تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه قم، قم، ایران.

رایانامه: a.moghimil331@chmail.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	از کلماتی که در قرآن کریم به آن اشاره شده و به حضرت ابراهیم (ع) نسبت دارد، واژه «آزر» است. این واژه فقط یک بار در قرآن و در آیه ۷۴ سورة انعام: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً﴾ آمده است. پیرامون ماهیت و معنای «آزر» از سوی لغت‌شناسان و مفسران دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است که در یک نگاه جامع، می‌توان آن‌ها را از دو جهت ماهیت و معنا بررسی کرد. این پژوهش با هدف بررسی لغوی و تفسیری واژه آزر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد زبان‌شناختی، به کمک ابزار کتابخانه‌ای، سعی در تبیین مفهوم و کاربرد این واژه در قرآن دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که چندین دیدگاه درباره «آزر» بیان شده است: نامی برای بت، در معنای وصفی، پرکار و فعال، کلمه‌ای برای زجر و نهی از باطل، نام خدمتگذار ابراهیم (ع)، پدر ابراهیم (ع) در دوران شرک و آب او، اما در فرهنگ اسلامی و بعد از نزول قرآن، اغلب واژه «آزر» نام فردی مشرک و بت‌پرست تلقی شده که قرآن از او با عنوان «آب» ابراهیم (ع) یاد کرده است. بر اساس دیدگاه مشهور شیعه، او عمو یا جد مادری ابراهیم (ع) بود و مشهور اهل سنت نیز او را پدر حقیقی ابراهیم (ع) دانسته‌اند، اما به دلایل متعدد از جمله عدم ذکر «آزر» به عنوان نام یا لقب پدر ابراهیم (ع) در عهدین و منابع تاریخی و تفکیک قرآن میان «والد» و «آب» این نتیجه حاصل شد که «آزر»، پدر حقیقی ابراهیم نبود.

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۸/۱۴
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۳/۱۲/۰۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۱۲/۰۶
تاریخ انتشار برخط:
۱۴۰۳/۱۲/۱۸

کلیدواژه‌ها:

آزر، آیه ۷۴ سورة انعام، آب، ابراهیم (ع).



استناد: طب حسینی، سید محمود؛ مقیمی، سپیده. (۱۴۰۳). تحلیل زبانی ادبی واژه آزر در قرآن کریم. آموزه‌های قرآنی، ۲۱(۴۰)، ۱۳۹-۱۵۸. <https://doi.org/10.30513/qd.2025.6488.2449>



ناشر: © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

هر کلام و به‌ویژه یک کلام حکیمانه می‌تواند از لایه‌های مختلف مفهومی برخوردار باشد که منافاتی با معنای اولیه و صریح آن کلام ندارد. هر لفظ یا عبارت قرآن کریم علاوه بر برخورداری از یک معنای اولیه، ممکن است مفاهیم دیگری هم داشته باشد که ابعاد گسترده معانی این کتاب آسمانی را پیش روی ما نهد و بر تعدد و شمول معانی آن بیفزاید.

یکی از مفاهیم قرآنی، که از جهات مختلف دارای اهمیت می‌باشد، واژه «آزر» است. کلمه «آزر» در قرآن کریم تنها یک بار در آیه ۷۴ سوره انعام آمده است: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَّرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾، اما در آیات ۱۱۴ سوره توبه، ۴۲ الی ۴۵ سوره مریم، ۵۲ سوره انبیاء، ۷۰ سوره شعراء، ۸۵ سوره صافات، ۲۶ سوره زخرف و ۴ سوره ممتحنه، با تعبیر «أَب» به آن اشاره شده است. در این آیات کسی که از او به «أَب ابراهیم» یاد شده، مذمت شده است. واژه «آزر» از نظر دستورزبانی بعد از «لأبیه» آمده و علامت ظاهری اعراب آن فتحه است. این فتحه می‌تواند نشانه اعراب جر باشد که به دلیل غیرمنصرف بودن «آزر»، اعراب آن با علامت فتحه نشان داده می‌شود. مطابق این تحلیل «آزر» می‌تواند بدل از «أبیه» بوده و نام پدر ابراهیم تلقی شود. نیز ممکن است این فتحه نشانه اعراب نصب باشد، که در این صورت از نظر معنا نمی‌تواند بدل از «أبیه» بوده و نام پدر ابراهیم باشد و باید برای آن معنایی دیگر جست‌وجو کرد. این مهم زمینه اختلافات گسترده‌ای درباره ماهیت «آزر» به وجود آورده است. این واژه از دو جهت پیچیدگی دارد: یک جهت آن بحث لفظی است که درباره قرائت و معنای آن اختلاف شده است. بعضی آن را به رفع و بعضی به نصب قرائت کرده‌اند. درباره مفهوم آن نیز دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است؛ اختلاف دیگر درباره این واژه که ریشه در مبانی کلامی شیعه و اهل سنت دارد. به نسبت وی با ابراهیم(ع) بازمی‌گردد. بدیهی است که بخش مهمی از اختلافات میان مفسران ریشه در مبانی کلامی آنان در تفسیر آیات قرآن کریم است (نک: براتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۸-۵۴). مسئله اختلافی دیگر درباره آزر به استغفار حضرت ابراهیم(ع) به عنوان اولین پیامبر

صاحب کتاب آسمانی، برای آزر مرتبط است، اما این مسئله که یکی از مسائل چالش برانگیز کلامی در قرآن کریم بوده و مباحث درازدامنی در مذاهب اسلامی پیرامون آن انجام گرفته است، خارج از تحقیق حاضر بوده و مجال مستقل دیگری می‌طلبد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که در منابع ادبی و تفسیری چه تحلیل‌هایی از واژه «آزر» انجام گرفته و کدام یک از این تحلیل‌ها با ظواهر آیات سازگارتر است؟ این بررسی شامل تحلیل‌های زبان‌شناختی و تفسیری می‌باشد تا درک بهتر و عمیق‌تر این واژه حاصل شود.

پیشینه بحث: با مطالعه و بررسی‌ای که انجام شد، تألیف مستقلی با عنوان خاص تحلیل زبانی - ادبی واژه آزر در قرآن کریم یافت نشد. همچنین با جست‌وجوی مستقلی که در فضای مجازی انجام گرفت، هیچ مقاله علمی‌ای با این عنوان و در این موضوع یافت نشد، به‌جز مقاله «تحلیل انتقادی شبهات تبار ابراهیم(ع)» از علی راد که صرفاً به بحث درباره نسب ابراهیم(ع) و نسبت او با آزر پرداخته است (مشکوة، ۱۳۹۷، ش ۱۴۱). دیدگاه مشهوری که عموم پژوهشگران شیعی در آثار مرتبط با حضرت ابراهیم و پدر وی به آن گرایش یافته و آن را تلقی به قبول کرده‌اند، این است که «آزر» نام عمومی ابراهیم(ع) بوده و این در حالی است که هیچ بحث تخصصی‌ای درباره ساختار و معنای این واژه و دیدگاه‌های مطرح درباره آن انجام نداده‌اند. ازاین‌رو در ادامه به تحلیل زبانی این واژه پرداخته شده و اصالت معنای لغوی و قرآنی آن بررسی می‌شود.

۱. واژه‌شناسی آزر

بسیاری از لغت‌شناسان و مفسران این واژه را غیرعربی می‌دانند و برخی نیز آن را واژه‌ای عربی دانسته‌اند.

۱-۱. عربی بودن واژه آزر

قرآن‌پژوهانی که این واژه را عربی می‌دانند درباره ریشه و ساختار آن نظراتی بیان داشته‌اند: الف) ریشه آزر: اکثر مفسران و لغت‌شناسان که «آزر» را اسمی عربی دانسته‌اند (عکبری، بی‌تا، ص ۱۴۷؛ سمین، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۰۲؛ مظهری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۵۷) ریشه آن را «أَزَّر» با فتح الف و سکون زاء، و برخی آن را از ریشه «وَزَّر» می‌دانند. در مورد معنای

این دو ریشه نیز دیدگاه‌های متعددی از سوی آنان بیان شده است:

برخی «آزر» را به معنای «ظهر» (پشت) دانسته و گفته‌اند: «آزَرَه» یعنی از او پشتیبانی کرد و به او در کارش یاری رساند، پشت او را محکم کرد. در قرآن نیز چنین آمده است: «أَشْدُّ بِهِ أَزْرِي؛ پشتم را به او محکم کن» (طه/۳۱)، (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۸۲؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۸۵؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۵۷۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۲؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۱۵؛ فیومی، ۱۴۱۴، ص ۱۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۰۴). راغب اصفهانی نیز گفته است: اصل «آزر»، از «إزار» به معنای لباس است و «الأزر» یعنی نیروی شدید و «آزره» یعنی او را یاری و تقویت کرد که اصلش از «شَدَّ الإزار» به معنای بستن و محکم کردن دامن گرفته شده است. خداوند می‌فرماید: ﴿كَزَّرَعِ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ﴾ (فتح/۲۹) یعنی آن‌ها همانند زراعتی هستند که با جوانه زدن پر بار می‌شوند سپس زراعت را تقویت می‌کنند. «آزَرْتُهُ فَتَأَزَّرَ»؛ او را یاری کردم و تقویت شد و «آزَرْتُ البناءَ وَ آزَرْتُهُ»؛ پایه‌های بنا را محکم کردم و «وازرته وَ آزرته»؛ وزیرش شدم که اصلش با واو است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴) و عوام به جای «آزَرْتُ»، «وَأَزَرْتُهُ» می‌گویند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۷۸ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۶-۱۸). «تَأَزَّرَ النَّبْتُ»؛ یعنی گیاه پر بار و قوی شد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۲؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۱۵) و «تَأَزَّيْرُ الْحَائِطِ» هم به معنای تقویت دیوار با دیوار کوتاه‌تری است که به آن متصل می‌شود. (زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۱۵).

در برخی منابع، علاوه بر معنای ظهر (یاری و پشتیبانی) و قوت (تقویت و نیرومند ساختن)، معانی دیگری نیز برای «آزر» از جمله: احاطه، مساوات، و پوشش بیان شده است (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۷۵؛ بستانی، ۱۳۷۵ش، ص ۴۸ و ۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۶ و ۱۷ و ۱۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۰؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۱؛ مهنا، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶). آنچه از بررسی ریشه واژه «آزر» حاصل می‌شود این است که اکثر لغت‌شناسان آن را از ریشه «آزر» به معنای نیرومند کردن و یاری رساندن می‌دانند. در مورد ساختار این واژه نیز دیدگاه‌هایی وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ب) **ساختار آزر عربی:** برخی از مفسرانی ماهیت «آزر» را عربی می‌دانند و درباره ساختار آن دو دیدگاه مطرح کرده‌اند: برخی آن را بسیط و برخی دیگر مرکب دانسته‌اند.

بسیط بودن این واژه در کلام مفسران به دو وجه بیان شده است:

۱. «آزر» اسم عَلَم و بر وزن «أَفْعَل»، از ریشه «أَزَرَ» یا «وَزَرَ» (عکبری، بی‌تا، ص ۱۴۷؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۱۹۵).

۲. «آزر» صفت بر وزن «أَفْعَل» و مشتق از «أَزَرَ» به معنای پشت است که در هر دو صورت، غیرمنصرف است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۵۹؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۷). برخی «آزر» را در صورت دوم، مشتق از «أَزَرَ» به معنای قوت یا «وَزَرَ» به معنای اِثم دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۴) که در این صورت، به معنای نیرومند یا گناه کار خواهد بود. برای صورت مرکب این واژه نیز سه حالت برای عبارت «أَزَرَ أَتَّخَذُ» در آیه ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَزَرَ أَتَّخَذُ أَصْنَامًا آلِهَةً﴾ (انعام/۷۴) بیان شده است:

۱. «آزر» مرکب از همزه استفهام و أَزَرَ بر وزن فَعْل است و عبارت «أَزَرَ أَتَّخَذُ» به صورت «أَزَرًا أَتَّخَذُ» بوده که در این حالت أَزَرَ به معنای کمک و پشتیبانی است و در آیه ۷۴ انعام، کمک علیه الله تعالی بود (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۴). بنابراین معنای آیه، «آیا راه کمک علیه الله در پیش گرفتی؟» خواهد بود. عکبری نیز گفته است: در این حالت همزه اول، استفهام انکاری و «أَزَرَ» به معنای انتقال (از عقیده‌ای به عقیده دیگر) و نصب آن به عنوان مفعول له می‌باشد و معنای جمله چنین است: آیا به خاطر سرگردانی و انحراف از دینت بت‌ها را معبود می‌گیری؟ (عکبری، بی‌تا، ص ۱۴۷).

۲. این واژه مرکب از همزه استفهام و «وَزَرَ» به معنای گناه است و عبارت «أَزَرَ أَتَّخَذُ» به این صورت بوده که واو مکسور به همزه تبدیل شده است؛ یعنی: آیا از روی گناه، بتان را معبود خود ساختی؟ (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۱؛ عکبری، بی‌تا، ص ۱۴۷ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۴).

۳. عبارت «أَزَرَ أَتَّخَذُ» به صورت «إِزَرًا أَتَّخَذُ» ترکیبی از همزه مکسور و سکون زاء و بدون الف وقف نیز بیان شده است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۱). ظاهراً این وجه همان حالت دوم است که همزه استفهام در آن حذف شده است.

سه توجیه اخیر از مرکب نشان دادن واژه «آزر» تکلف‌آمیز بوده و از آیه شریفه تأویلاتی نامقبول و ناسازگار با ظاهر آیه ارائه داده است.

۲-۱. آزر واژه‌های غیرعربی

بسیاری از مفسران و لغت‌شناسان متقدم و متأخر، واژه «آزر» را غیرعربی می‌دانند (فراء، ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۳۴۰؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۷۸؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۳۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۸ و ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۵۹ و ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۶۶ و کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۴۱۶ و قمی مشهدی، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ص ۳۶۲؛ جوالیقی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۷۷؛ مظهری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۵۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵۱؛ مهنا، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۱۹۵). برخی نیز گفته‌اند: اسم پدر ابراهیم (ع) «تارخ» است که به صورت «آزر» معرّب^۱ شده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴؛ سیوطی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۴۲۸) و این واژه معرّب از «آزور» است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۸۴) یا گفته شده «آزر» غیرعربی با لفظ عربی «الآزار» و «الآزره» موافقت دارد (جوالیقی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۷۷).

درباره خاستگاه این واژه غیرعربی چند دیدگاه بیان شده است:

۱. عبری بودن آزر: از کسانی که عبری بودن این واژه را گزارش کرده‌اند، سیوطی (۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۴۷۵) و معرفت (۱۳۸۶ش، ص ۵۲) هستند. «آزر» در متون عبری به صورت «العازار» آمده است (جعفری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۵۵). مستشرقان نیز معتقداند که احتمالاً این واژه صورت تحریف‌شده «الْعَازَر» (العازر، اليعزر) عبری باشد (موسوی، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۲۱۲). به نظر آرتور جفری «آزر» اسمی عجمی است که دانشمندان مسلمان بر اساس حدسیات خود درباره اصل و ریشه آن، دیدگاه‌های مختلفی بیان کرده‌اند. گویا اصل دو صورت «عازر» و «آزر» در زبان عربی به صورت عبری «العازر» بازمی‌گردد (جفری، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۰-۱۱۲؛ نک: خزائی، ۱۳۷۱، ص ۵۸).

۲. سریانی بودن آزر: ابوحیان (۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۰۴؛ ابوالسعود، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۱) سریانی بودن ریشه این واژه را نقل کرده است. در کشاف آمده است: «آزر» نام پدر ابراهیم است که در کتاب‌های تاریخی، به لغت سریانی تارخ آمده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۹) و نیز برخی به استناد منابع کهن عهد عتیق که از سریانی به عربی برگردانده شده

۱. مُعَرَّب: لغتی که عرب آن را از زبان دیگر گرفته و پس از تغییر و تصرف به شکل لغت عربی درآورده باشد.

است، آزر را «آثر» ضبط کرده و آن را همان آزر دانسته‌اند که ایرانیان، به صورت «آذر» به معنای آتش می‌نویسند (فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۹۱).

۳. برخی قائل‌اند که این واژه اصالت فارسی دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۰۳؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۳۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۷، ص ۲۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۵۶۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵۱) و بعید نیست که آزر با آذر فارسی هم‌ریشه باشد. آزر در زبان زندی Atraa و در زبان پارسی باستان atra و در زبان اوستایی atra و atr athr atere است. حال هرگاه تلفظ اوستایی athr با همه حروف خوانده شود و مقلوب گردد با «تاره» و «تارح» و «تارخ» قابل ارتباط می‌شود. (خزائلی، ۱۳۷۱، ص ۵۸).

۴. نبطی بودن این واژه نیز نقل شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۸۳). بنابراین غیرعربی بودن واژه «آزر» نزد مفسران مشهورتر از عربی بودن آن است و باید واژه «آزر» را واژه‌ای غیرعربی شمرد که از زبان عبری یا فارسی گرفته شده است، هرچند سریانی یا نبطی بودن آن نیز احتمال داده شده است.

۲. مفهوم آزر در قرآن

در آیه ۷۴ انعام: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبْنَيْهِ أَزْرَ أَتَذْخُرُ أَصْنَمًا لِلَّهِ﴾ به نام «آزر» تصریح شده است. مفسران با استناد به ظاهر آیه از او به‌عنوان پدر ابراهیم (ع) یاد می‌کنند اما اختلاف درباره اصالت و ریشه «آزر» از یک سو و علم یا وصف دانستن آن از سوی دیگر، سبب شده تا نظرات مختلفی را در معنای این کلمه مطرح کنند. نظرات از این قرار است:

۲-۱. نامی برای بت

در برخی از منابع لغوی و تفسیری آزر به‌عنوان نامی برای بت بیان شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۲۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲). برخی از محققان معاصر نیز واژه «ازوریس» را که نام یکی از خدایان مصر باستان بوده است، با ریشه لفظ «الازر» و واژه‌های «عازر» و «عزیر» ربط داده و بر این اساس احتمالاً «آزر» را نام بت می‌دانند، اما از آنجا که یوسیبوس مورخ یونانی نام پدر ابراهیم را «اثر» ذکر کرده است، عباس محمود عقاد^۱ با توجیهاتی به این نتیجه رسیده است که احتمالاً شکل‌های «اثر» و «اتور»

۱. نویسنده، مورخ مصری و عضو فرهنگستان زبان عربی قاهره که پدرش عرب مصری و مادرش کرد بود.

و «اتیر» از یک سو به صورت‌های «تیره» و «تیرح» (تبدیل «ه» به «ح» مانند «ساره» به «سارح») تبدیل شده و از سوی دیگر، همان شکل‌ها به «اثر» و «سرانجام» به «آزر» تبدیل شده است (موسوی، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۲۱۲). این نکته قابل توجه است که در منابع تاریخی مستقل یا باستانی اشاره مستقیم به آزر به عنوان یک بت وجود ندارد و این موضوع بیشتر در تفاسیر اسلامی مطرح شده است، از جمله در تفسیر ابی حاتم (۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۳۲۵)، هواری (۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۸۳) و طبری (۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۵۸؛ ۱۸۷۹، ج ۱، ص ۲۱۱) به نقل از ابن عباس و مجاهد «آزر» نام بت شمرده شده است. بنابراین معنای آیه این می‌شود: ابراهیم به پدرش گفت: آیا آزر را خدای خود می‌پنداری؟ (زجاج، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۶۵)، در تفسیر سمرقندی (بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۰) آمده است که آزر نام بزرگ‌ترین بت آنان بود، اما این دیدگاه با ظاهر سیاق آیه ناسازگار است، زیرا مستلزم آن است که «آزر» مفعول دوم «تتخذ» باشد، در حالی که دو مفعول «تتخذ»، «أصناماً آلهة» است. به همین دلیل زمخشری برای رفع این مشکل، کلمه «عابد» (لایه عابد آزر...) را در تقدیر گرفته است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۶۹)، اما تقدیر نیز برخلاف اصل است.

۲-۲. در معنای وصفی

برخی مفسران «آزر» را به معنای وصفی گرفته‌اند. در این باره سه نظر وجود دارد:

الف) مذمت: در برخی منابع «آزر» واژه‌ای برای مذمت به معنای ضال (گمراه)، خَرِف (آن‌که از پیری عقلش کم شده باشد) (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۰؛ زمخشری، ۱۳۸۶ش، ص ۱۶۱)، أَعْرَج (لنگ) (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۲۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۸۲) و مخطی (خطاکار) (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۲؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۱۷۰؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۴۲؛ جعفری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۵۵) بیان شده است و ابراهیم پدرش را به خاطر کفر و انحراف از حق مورد مذمت قرار داده. بنابراین معنای آیه این گونه است: ابراهیم به پدرش گفت: «ای خطاکار!» یا این‌که ابراهیم به «پدر خطاکارش» گفت (زجاج، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۶۵). برخی نیز «آزر» را به معنای «المخطی الضال»: خطاکار گمراه معنا کرده‌اند (سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۰؛ راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۵).

ب) دشنام: ممکن است «آزر» یک نوع توهین و دشنام و به معنای «مُعْوج»؛ منحرف از راه خیر باشد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۵۹؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۶۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۶؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۶، ص ۱۷۰). به نظر نحاس اعوج ناگوارترین کلمه‌ای بود که ابراهیم به پدرش گفت (نحاس، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۷).

ج) پیرمرد: گفته شده «آزر» در زبان آنان به معنای پیرمرد سال خورده بوده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۰۳). این دیدگاه بنابر عقیده کسانی است که قائل اند در قرآن لغات فارسی کمی وجود دارد. (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۲۵) در برخی منابع دیگر نیز «آزر» در معنای «شیخ»؛ پیرمرد، «شیخ الهرم»؛ پیرمرد سال خورده، «شیخ الهرم»؛ پیرمرد فانی و «پیر خرف» آمده است. (نحاس، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۶۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۶۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۶۲؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۴۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲).

به این نظرات نقدهایی وارد شده است، از جمله:

۱. دیدگاه‌های فوق با ادب قرآن کریم و ابراهیم (ع) ناسازگار است؛ زیرا وی در برابر پدرش آزر، جز به ادب و احترام لب به سخن نگشود و حتی وقتی آزر او را از خود راند، آن حضرت در پاسخش گفت: «سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي خَفِيًّا» (مریم/ ۴۷) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۵). آیات دیگری از قرآن کریم نیز گویای آن است که وی دائماً او را با عبارت «یا اَبْت»؛ (پدرم) که نشانه ادب و احترام است خطاب می کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۷۹).

۲. پذیرش «آزر» به معنای توهین و دشنام، مستلزم آن است که یک لفظ غیرعربی ناشناخته در قرآن راه یافته باشد، در حالی که شرط ورود واژه غیرعربی به قرآن کریم آن است که خود اعراب ابتدائاً یک لفظ ناشناخته را به لغتش منتقل کنند و سپس قرآن کریم آن را به کار برد (ابن عاشور، بی تا، ج ۶، ص ۱۷۰).

۳. اگر «آزر» وصفی به معنای معوج و مخطی باشد، می تواند به عنوان منادا لحاظ شود و آیه به این وجه خواهد بود: «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ لِاَبِيْهِ يَا مَخْطُؤُ؛ یعنی ابراهیم به پدرش گفت: ای خطاکار! (زجاج، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۶۵؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ش ۴۰).

ج ۸، ص ۱۵۱؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۱) بر اساس این دیدگاه، حرف ندا در آیه محذوف است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۴۲) این سخن در صورتی پذیرفته است که «آزر» اسم علم باشد، زیرا حذف حرف ندا از منادایی که وصف باشد نادر و شاذ است (سمین، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۰۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۴).

۴. اگر «آزر» معنای وصفی «المعوج» یا «المخطی» یا «الشیخ الهرم» را داشته باشد، در این صورت نکره و نعت برای «أیه» معرفه خواهد بود که برخلاف قواعد زبان عربی است (زجاج، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۱۵۱؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۱؛ سمین، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۰۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۵۶۱).

۲-۳. پرکار و فعال

از دیگر معانی بیان شده برای «آزر»، پرکار و فعال در عمل است. این معنا به لغت سامی نزدیک است و «عازور» و «عزیر» عبری همان «آزر» عربی است و این ماده با معنای خودش وارد زبان عربی شد (نک: معرفت ۱۳۸۶ش، ص ۵۲).

۲-۴. کلمه‌ای برای نهی از باطل

بعضی گفته‌اند: «آزر» واژه‌ای برای بازداشتن دیگری از کار ناشایست است. مطابق این دیدگاه گویا ابراهیم به پدرش گفته است: «دَعْ هذا العقيدة»؛ از این عقیده باطل شرک دست بردار (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲).

۲-۵. خدمت‌گزار ابراهیم

برخی «آزر» را صورت تحریف‌شده «إل‌عازر» (العازر، اليعزر) عبری می‌دانند که بنابر عهد عتیق، نام خادم ابراهیم بوده است (موسوی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۱۲). «اليعازر» و «اليعزر» یعنی خداوند کمک من است. یازده نفر به این اسم بودند که یکی از آنان، وکیل و خادم امین خانه ابراهیم بود (مستر هاکس، ۱۳۷۷، ص ۹۹). صورت «آزر» ناشی از تشویشی است که در داستان حضرت ابراهیم از عبری به عربی روی داده و در نتیجه، به جای نام پدر ابراهیم، نام خدمت‌گزار با وفای او ذکر شده است (جفری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰-۱۱۲). این دیدگاه صرفاً یک احتمال است و دلیلی بر درستی آن وجود ندارد و مانعی نیست از این که آزر هم عمومی ابراهیم باشد و هم این که وی خادمی به نام آزر داشته، و آزر مورد اشاره قرآن

عموی وی بوده باشد، نه خادمش.

۶-۲. نام پدر ابراهیم در دوران شرک

برخی معتقداند «آزر» نام پدر ابراهیم در زمان شرک بود و پس از آن که ایمان آورد، به تارخ (Terah) شهرت یافت. جفری در نقد این دیدگاه می‌گوید: برخی نام دوران شرک را با واژه اوستایی آتر، پهلوی آتر، پازند آدر و فارسی جدید آذر ارتباط می‌دهند که نام اخیر، نام دیو آتش است و در تاریخ‌های ایرانی به عنوان نام پدر ابراهیم ذکر شده است. در حالی که نام پوراآذر که در نوشته‌های فارسی به ابراهیم نسبت داده شده، به معنای «پسر آتش» است و ربطی به نام پدرش ندارد، بلکه این عنوان ناظر به در آتش افکندن ابراهیم است (جفری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰-۱۱۲).

۷-۲. آب ابراهیم

برخی از مفسران با تمسک به ظاهر آیه ۷۴ سورة انعام، بر پدر بودن «آزر» تأکید دارند، اما در این که «آب» در معنای پدر صلبی ابراهیم باشد یا این که معنای مجازی آن، اختلاف دارند و در این زمینه نظراتی را بیان داشته‌اند.

الف) پدر حقیقی ابراهیم: از سخنان بعضی از مفسران چنین استنباط می‌شود که آنان «آزر» را پدر حقیقی ابراهیم (ع) می‌دانند. برخی در کلامشان از عنوان «والد» و عده‌ای دیگر با لفظ «آب» به پدر حقیقی بودن او تصریح نموده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۵۹؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۷؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۰؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۱۱ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۳).

با توجه به این که نام حقیقی پدر حضرت ابراهیم تارخ یا تارخ بوده است (سفر پیدایش، باب ۱۱)، در جمع میان تارخ یا تارخ و آزر گفته‌اند که اسم اصلی پدر ابراهیم تارخ و آزر لقب او بوده و خداوند هم در قرآن، او را با لقبش یاد کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۱ و ۳۲)، زیرا اگر آزر به عنوان نام پدر ابراهیم در قرآن درست نمی‌بود، یهودیان معاصر پیامبر که همواره درصدد تکذیب او بودند، درباره این نام نیز باید او را تکذیب می‌کردند و چون خبری در این مورد در دست نیست، می‌توان گفت که این نام به دیده یهودیان درست بوده است (موسوی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۱۲). طبری نیز با استناد به قرآن، معتقد است که

«آزر» نام پدر ابراهیم است و در پاسخ به نسب‌شناسان که ابراهیم را منسوب به تارح می‌دانند گفته است: محال نیست که شخصی دو اسم داشته باشد و ممکن است که آزر لقب تارح باشد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۵۹). البته فخر رازی اجماع نسب‌شناسان را قابل استناد و معتبر نمی‌داند، زیرا معتقد است که اجماع حاصل تقلید مفسران بعدی از قبلی است و در نهایت به قول یک یا دو نفر مثل وهب بن منبه و کعب الاحبار منتهی می‌شود و چه بسا سخنان این دو برگرفته از منابع یهود و نصارا باشد که در مقابل صریح قرآن قابل اعتنا نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۲).

ب) معلم ابراهیم: در زبان عربی گاه واژه «أب» در مورد معلم هم به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۷). بر این اساس بلاغی «آزر» را پدر روحانی حضرت ابراهیم، یعنی معلم نجاری او دانسته است (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۱۰). در نقد این دیدگاه باید گفت اگرچه اطلاق اب بر معلم در زبان عربی پذیرفته است، در آیه مورد بحث دلیل و قرینه‌ای بر این که آزر معلم (پدر روحانی) ابراهیم باشد وجود ندارد.

ج. جد مادری یا عمومی ابراهیم: در برخی منابع از «آزر» به عنوان جد مادری یا عمومی حضرت ابراهیم (ع) یاد شده است. زجاج اجماع نسب‌شناسان را در این باره نقل کرده است (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۵۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۶۲). فخر رازی نیز می‌گوید: اگر «تارح» پدر ابراهیم (ع) باشد، یکی از احتمالات آن است که «آزر» عمومی او باشد، زیرا بر عمو هم، اسم أب اطلاق می‌شود. چنان که خداوند از فرزندان یعقوب این گونه حکایت می‌کند: ﴿نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ﴾؛ (خدای تو و خدای نیاکان تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را خواهیم پرستید) (بقره/۱۳۳) و معلوم است که اسماعیل عمومی یعقوب بود و بر او لفظ أب اطلاق شده است. پس در این آیه منظور از أب، عمومی ابراهیم است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۲). البته استدلال فخر رازی به این آیه قابل نقد است، زیرا اطلاق أب در این آیه بر اسماعیل، عمومی یعقوب، در کنار ابراهیم و اسحاق ممکن است از باب تغلیب باشد.

نسبت ابوت به «آزر» از منظر شیعه با چالشی اساسی روبه‌رو است، زیرا باورمندان این نظر معتقدند آیه ۱۱۳ سوره توبه: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ﴾ تصریح دارد که پیامبران نمی‌توانند برای مشرکان استغفار کنند و از این

کار نهی شده‌اند و بر اساس آیه ۱۱۴ توبه: ﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ﴾، ابراهیم پس از فهمیدن کفر آزر، از او بیزاری جست و در حقیقت استغفار ابراهیم برای پدر و مادرش، در اواخر عمرش بوده که آیه ۴۱ سورة ابراهیم بر آن دلالت دارد: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ﴾ که این آیه نشان می‌دهد که آنان مؤمن بوده‌اند. علامه طباطبایی نیز بیان می‌کند که ابراهیم(ع) در دو مرحله برای پدرش درخواست استغفار کرده است: یکی قبل از هجرت که مرتبط با «آزر» است و با لفظ «أب» بیان شده و دیگری بعد از هجرت که والدین حقیقی او را در بر می‌گیرد و با لفظ «والد» بیان شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۱۱۴)؛ ثانیاً مفسران شیعه، به روایاتی استناد جسته‌اند که بر یکتاپرستی والدین و اجداد پیامبر(ص) و طهارت پدران ایشان دلالت دارند، مانند این روایت پیامبر اکرم(ص) که فرموده‌اند: «خداوند من را از صلب‌های پاک به رحم‌های پاک منتقل کرده و هیچ آلودگی جاهلیت به من نرسیده است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۷۶). این در حالی است که اهل سنت طهارت را به طهارت از محارم تعبیر کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۱۱، ج ۱۳، ص ۳۴).

ثالثاً شیعه بر اساس دلایل عقلی و کلامی، بر این باور است که پیامبران باید از طهارت نسب و اعتقاد برخوردار باشند تا توان هدایت مردم را داشته باشند، زیرا اگر پدران پیامبر مشرک بودند، مردم به دعوت او توجه نمی‌کردند و می‌توانستند با سرزنش او به شرک پدران اشاره کنند (ابولفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۴۰). از این رو، شیعه معتقد است که نام پدر حقیقی ابراهیم، تارح بوده و آزر به‌عنوان عموی او یا جد مادری‌اش محسوب می‌شود و واژه «أب» در آیه ۷۴ سورة انعام به صورت مجاز به کار رفته است.

رابعاً در هیچ یک از منابع تاریخی اسم پدر ابراهیم، «آزر» نیامده است، بلکه همه «تارخ» نوشته‌اند، در کتب عهدین نیز همین نام آمده است و افرادی که پدر ابراهیم را «آزر» دانسته‌اند، به توجیهاتی نامقبول دست زده‌اند، از جمله این که آزر لقب یا اسم دوم وی بوده! در حالی که این لقب نیز در منابع تاریخی ذکر نشده است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۰۳). بنابراین دیدگاه مشهور نزد امامیه آن است که آزر عمو یا پدر بزرگ مادری ابراهیم بوده است و دلیل آن علاوه بر همراهی لغت بر اطلاق اب بر عمو و پدر بزرگ، کاربرد دو واژه اب و والد در مورد حضرت ابراهیم و نهی ابراهیم از استغفار

برای «اب» اش، و استغفار آن حضرت برای والدین اش تا اواخر عمرش است. علامه طباطبائی نقل می‌کند: پدر حقیقی ابراهیم (ع) شخص دیگری غیر از «آزر» بوده که قرآن از او اسم نبرده و در روایات، اسم او «تارخ» معرفی شده و تورات نیز آن را تأیید نموده است. در آیه مورد بحث کلمه «أب» آمده است که به غیر پدر، از قبیل جد و عمو، پدرزن و هر کسی که زمام امور آدمی را در دست دارد و هر کسی که بزرگ و فرمانروای قوم است نیز اطلاق می‌شود. پس «آزر» پدر حقیقی ابراهیم نبوده، بلکه در او عنوانی بوده که به خاطر آن عنوان او را پدر خطاب کرده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۳۴ و ج ۹، ص ۵۴۰ و ج ۱۲، ص ۱۱۴).

فارغ از این که آزر نام پدر یا عمو یا جد مادری یا معلم ابراهیم باشد، در این که چرا به «آزر» ملقب شد، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است:

الف) مددکار: «آزر» به معنای مددکار است و از آن رو به او «آزر» می‌گفتند که قوش را بر پرستش بت‌ها یاری می‌کرد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۳).

ب) پشتیبان: «آزر» از «أزر» به معنای پشت (ظهر) و به معنای کسی که پشتیبان و حامی بزرگ انحراف و کج‌روی است (نحاس، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۷).

ج) کمر بسته به خدمت: «آزر» به معنای «کمر بسته به خدمت» و مشابه کلمه وزیر است و از آنجا که او وزیر مورد اعتماد و گرداننده امور نمرود بود آزر لقب گرفت (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۸۴).

د) عبادت کننده بت: ممکن است پدر ابراهیم به سبب ملتزم بودن به عبادت بتی به نام «آزر»، به این نام ملقب شده باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۶۹).

ه) منسوب به منطقه‌ای بین سوق الأهواز و رامهرمز: (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۶؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۲۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۲؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۵۳) ابن‌عاشور می‌گوید: نام پدر ابراهیم، تارخ است و او در شهر غربت به آزر ملقب شد و آزر نام شهری بود که او از آنجا آمده بود، همان‌طور که در معجم یاقوت، آزر به منطقه‌ای بین سوق الأهواز و رامهرمز معنا شده است. در فصل یازدهم از سفر پیدایش آمده است که شهر تارخ، پدر ابراهیم، أُر الکلدانین بود و در معجم یاقوت، «أُور» از نواحی رامهرمز

خوزستان است و شاید منطقه «آزر» همان آور الکلدانیین یا جزئی از آنجا باشد. تارح و پسرش ابراهیم، به قصد سرزمین کنعان از شهرشان آور الکلدانیین خارج شدند و در راهشان به شهر حاران رسیدند و در آنجا اقامت کردند، اما تارح در حاران مرد. اهل حاران تارح را «آزر» می‌خواندند، چون او از ناحیه «آزر» آمده بود (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۷۰ و ۱۷۱).

این دیدگاه اگرچه به‌خودی‌خود مشکلی ندارد و ممکن است آزر نام منطقه‌ای جغرافیایی نیز بوده باشد، اما نتیجه آن این است که در آیه شریفه به‌عنوان نام فرد، یعنی پدر ابراهیم به کار رفته باشد و مبتنی بر این پیش‌فرض است که آزر پدر واقعی ابراهیم و همان تارح باشد، اما نقد آن در بخش‌های قبل گذشت که قرآن کریم میان اب و والد ابراهیم تفاوت گذاشته است، زیرا ابراهیم از آب خود تبری جسته و از استغفار برای او نهی شده است (توبه/۱۱۴)، اما برای والدین خود طلب مغفرت کرده است (ابراهیم/۴۱)، بنابراین آزر نمی‌تواند پدر حقیقی و بی‌واسطه ابراهیم بوده باشد.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در آیه ۷۴ سوره انعام: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً﴾ به نام «آزر» تصریح نموده است. مفسران و قرآن‌پژوهان دیدگاه‌های مختلفی درباره ساختار و معنای این کلمه مطرح نموده‌اند. از نظر ساختار، برخی تلاش کرده‌اند با ریشه عربی برای این واژه معرفی کنند، اما بیشتر مفسران آن را واژه‌ای غیرعربی، با ریشه‌ای عبری، یا فارسی و احیاناً سریانی دانسته‌اند که به صواب نزدیک است و از نظر معنا برای آن، این معانی بیان شده است: ۱. نام بت؛ ۲. وصف ناشایست با قصد مذمت یا دشنام؛ ۳. نام شخص و به معنای پرکار و فعال؛ ۴. کلمه‌ای برای زجر و نهی از باطل؛ ۵. نام خدمتگزار ابراهیم(ع)؛ ۶. نام پدر ابراهیم(ع)؛ ۷. لقب پدر ابراهیم(ع)؛ ۸. نام عمو یا جدمادری ابراهیم(ع)؛ ۹. نام معلم ابراهیم(ع)؛ ۱۰. نام پدر ابراهیم(ع) و منسوب به منطقه‌ای از نواحی رامهرمز که اهل آنجا بوده و به آنجا نسبت داده می‌شده است. دیدگاه مشهور شیعه آن است که آزر عمو یا جد مادری ابراهیم(ع) است و مشهور اهل سنت او را پدر حقیقی او دانسته‌اند، اما این دیدگاه به دلایل متعدد مردود است، زیرا اولاً در کتب عهدین و منابع تاریخی «آزر»

به عنوان نام یا لقب پدر ابراهیم ذکر نشده است؛ ثانیاً واژه «أب» بر غیر پدر حقیقی، از جمله جد، عمو، معلم و ... هم اطلاق می شود، ثالثاً با ظواهر قرآن سازگار نیست، زیرا در قرآن کریم ابراهیم (ع) از استغفار برای پدرش نهی شده و به جهت بت پرستی از او بیزاری جسته است، در صورتی که وی برای پدر (والد) خود استغفار کرده است و این دلیل بر این است که اب ابراهیم در قرآن فردی به جز والد او بوده است و از آنجا که والد فقط بر پدر حقیقی اطلاق می شود، نتیجه می گیریم که اب ابراهیم، پدر حقیقی او نبوده است. همچنین بر اساس مبانی کلامی شیعه، مبنی بر طهارت اصلاّب پیامبران از شرک و موحد بودن آنان، «آزر» نمی تواند پدر حقیقی ابراهیم باشد و به احتمال زیاد عموی او یا شخصی دیگر بوده است.

فهرست منابع

۱. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، (تحقیق علی عبدالباری عطیه). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، (تحقیق اسعد محمد طیب). ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۳. ابن ابی مخنف، لوط بن یحیی. (۱۴۱۷ق). تاریخ الطبری. بیروت: دار الطلیعه.
۴. ابن تیمیه، احمد. (۱۴۱۲ق). الفتاوی. بیروت: دار العلم للملایین.
۵. ابن جزّی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). التسهیل لعلوم التنزیل، (تحقیق عبدالله خالدی). بیروت: دار الأرقم بن ابی الأرقم.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، (تحقیق عبدالرازق المهدی). بیروت: دار الکتب العربی.
۷. ابن حجر، احمد بن علی. (۱۳۷۹ش). فتح الباری شرح صحیح بخاری. تهران: دار الکتب الاسلامی.
۸. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط الأعظم، (تحقیق عبدالحمید هنداو). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابیطالب علیهم السلام. قم: علامه.
۱۰. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التئیر. بیروت: مؤسسه التاریخ.
۱۱. ابن عبدالبر، یوسف. (۱۴۱۴ق). التمهید. بیروت: دار الأرقم.
۱۲. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، (تحقیق عبدالسلام عبدالشفی محمد). بیروت: دار الکتب العلمیه.

۱۳. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، (تحقیق عبدالسلام محمد هارون). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، (تحقیق محمد حسین شمس الدین). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۱۶. ابوالسعود، محمد بن محمد. (بی‌تا). إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، (تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۸. ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۰۷ق). تفسیر النهر المارد من البحر المحيط. بیروت: دار الجنان.
۱۹. ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر، (تحقیق صدقی محمد جمیل). بیروت: دار الفکر.
۲۰. ازری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. امامی، مرتضی. (۱۳۹۲ش). تفسیر جامع. تهران: نشر معارف.
۲۲. امینی، عبدالحسین. (۱۳۹۵ش). الغدير. تهران: دار الکتب الاسلامی.
۲۳. ایزدی، محسن. (۱۴۲۲ق). التحریر و التنویر. دمشق: دار الکتب.
۲۴. بخاری، محمد. (۱۹۹۲م). الجامع الصحيح. بیروت: دار المعرفة.
۲۵. بدرالدین، محمد. (۱۴۱۹ق). سیرت النبی محمد(ص). بیروت: دار العلم.
۲۶. براتی، حسین؛ نقی‌زاده، حسن؛ پیروزفر، سهیلا. (۱۴۰۲ش). تحلیل و بررسی آراء مفسران درباره «ولما ضرب ابن مريم مثلاً». آموزه‌های قرآنی، ۲۰(۳۸)، ۲۷-۵۴.
- <https://doi.org/10.30513/qd.2023.4619.2011>
۲۷. بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.
۲۸. بغدادی، علاء‌الدین علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل، (تحقیق محمدعلی شاهین). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۹. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). معالم التنزیل، (تحقیق عبدالرازق المهدی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. بلاغی، سید عبدالحجت. (۱۳۸۶ق). حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر. قم: انتشارات حکمت.
۳۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، (تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۲. بیهقی، احمد بن حسین. (۱۳۹۲ق). دلائل النبوة. بیروت: دارالفکر.
۳۳. ثعلبی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، (تحقیق ابو محمد بن عاشور).

- بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. جعفری، یعقوب. (بی تا). تفسیر کوثر. قم: هجرت.
۳۵. جفری، آرتور. (۱۳۸۵ش). واژه‌های دخیل در قرآن مجید، (ترجمه فریدون بدره‌ای). تهران: توس.
۳۶. جوالیقی، موهوب بن احمد. (۱۳۸۹ق). المعرب من الکلام الأعجمی، (تحقیق احمد محمد شاکر). بی‌جا: مرکز تحقیق التراث.
۳۷. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح، (تحقیق احمد عبدالغفور عطار). بیروت: دار العلم للملایین.
۳۸. خزائلی، محمد. (۱۳۷۱ش). اعلام قرآن. تهران: امیرکبیر.
۳۹. درویش، محی‌الدین. (۱۴۱۵ق). اعراب القرآن و بیانه. سوریه: دار الإرشاد.
۴۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۴۱. زجاج، ابراهیم بن السری. (۱۴۰۸ق). معانی القرآن و إعرابه، (تحقیق عبدالجلیل عبده شلبی). بیروت: عالم الكتب.
۴۲. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۶ش). مقدمة الأدب. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۴۳. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتاب العربی.
۴۴. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۷۹م). أساس البلاغة. بیروت: دار صادر.
۴۵. سمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). بحر العلوم. تحقیق ابو سعید عمر بن غلام حسن عمروی. بیروت: دار الفکر.
۴۶. سمن، احمد بن یوسف. (۱۴۱۴ق). الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، (تحقیق احمد محمد صیره). بیروت: دار الكتب العلمية.
۴۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۳۸۰ش). الاتقان فی علوم القرآن، (ترجمه مهدی حائری قزوینی). تهران: امیرکبیر.
۴۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۳۹۴ق). الاتقان فی علوم القرآن، (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم). بی‌جا: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۴۹. شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). فتح القدير. دمشق: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب.
۵۰. صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة، (تحقیق محمدحسن آل یاسین). بیروت: عالم الكتب.
۵۱. طاهر بن عاشور، محمد. (۱۴۰۸ق). تفسیر التحریر و التتویر. تونس: دار سحنون.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: دار الكتب الاسلامیه.

۵۳. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۵ق). تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن، (تحقیق احمد امین). بیروت: دار العلم للملایین.
۵۴. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۱۱ق). التفسیر الکبیر، (تحقیق محمد عبدالرحمن). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۵. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۳۶۰ش). الوافی. تهران: انتشارات علمی.
۵۶. قزوینی، عباس. (۱۴۱۵ق). الموسوعة القرآنية. بیروت: دار الكتاب العربی.
۵۷. کاشانی، حسن. (۱۴۱۱ق). التفسیر الصافی. بیروت: دار التفاهم.
۵۸. کشف الغطا، محمد. (۱۳۸۵ش). تفسیر المحرر الحکمی. تهران: دانشگاه تهران.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی (جلد دوم). تهران: دارالکتاب الاسلامی.
۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلامی.
۶۱. لاهیجی، محمد. (۱۴۲۵ق). شرح فصوص الحکم. قم: مؤسسه امام علی علیه السلام.
۶۲. مدنی، علی. (۱۳۹۹ش). یادداشت‌های تفسیری. تهران: دانشگاه شاهد.
۶۳. مراغه‌ای، علی بن حسین. (۱۴۲۵ق). الدرر المنتور فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۹ش). المقنعة. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۰ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتاب الاسلامی.
۶۶. مولانا، جلال‌الدین. (۱۳۸۷ش). مثنوی معنوی. تهران: امیرکبیر.
۶۷. نصیرالدین طوسی، محمد. (۱۴۲۱ق). العدة فی اصول الفقه. بیروت: دارالتقلین.
۶۸. نیشابوری، عبدالرحمان بن احمد. (۱۴۱۰ق). الدر المصون فی علوم القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۹. واحدی، ابوالحسن. (۱۳۷۴ش). الوسیط فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات علمی.
۷۰. یزدی، محمد. (۱۴۰۳ش). قواعد التفاسیر. قم: نشر میزان.